

## سه بیت تازه از رودکی

علی اشرف صادقی

اخیراً آقای حسن انصاری در اهالی ابوسعبد سَمَّان، متکلم برجسته معتزلی - زیدی ری در نیمه اول قرن پنجم هجری، سه بیت تازه از رودکی یافته و آنها را با توضیح کوتاهی در سایت کتابخانه مجلس شورای اسلامی گذاشته است. به نوشته انصاری، امروز تنها بخشی از اهالی سَمَّان باقی مانده که در کتابخانه آمبروزیانا در میلان ایتالیا نگهداری می شود. در این بخش باقی مانده بابی هست که قسمتی از آن مربوط به روایات و احادیثی است که در آنها کلمه یا تعبیر یا جمله ای به فارسی از حضرت رسول و صحابه یا دیگران نقل شده است. سَمَّان سه بیت مورد نظر رودکی را در این باب به سندی مستقل از رودکی نقل کرده است، به این صورت: برگ ۱۷۰ ب: «و به قال حدَّثنا ابوبکر محمد بن الحسین الشعیری بقرائتی علیه بقزوین. قال سمعت محمد بن عبدالله بن عبدالعزیز المذکر الرازی، یقول انشدنی الروذکی.» (بر اساس این عبارات سَمَّان این اشعار را در قزوین از ابوبکر محمد بن حسین شعیری شنیده و آنها را بر او خوانده و او آنها را از محمد بن عبدالله بن عبدالعزیز مذکر رازی شنیده و رازی آنها را از زبان خود رودکی شنیده است).

متن اشعار بر اساس نقل انصاری (با اصلاحات املائی او، ظاهراً تبدیل کاف به گاف) چنین است:

ایا گیتی افسوس افسوسی برآستی      شاییت بندگیست فزونیت کاستی

بر بچه‌گان خویش همه ترک خواستی      خود بن کنی همان را کجوز نشاستی  
هرکه تو را نخواست مرو را بخواستی      هرکه تو را نه خواست بذودادی استی

همان طوری که انصاری نوشته، این اشعار در مجلس املائی حدیث خوانده شده و مستملیان آنها را همان طور که شنیده‌اند ضبط کرده‌اند. بعدها زیدیان امالی ابوسعید را به یمن برده‌اند و نسخه حاضر در آنجا و احتمالاً به دست کسانی که فارسی نمی‌دانسته‌اند یا در فارسی دستی نداشته‌اند کتابت شده و اغلاطی به شعرها راه یافته است. کاتب کوشش کرده تا ابیات را به عربی ترجمه کند، اما این ترجمه مغلوط و نامفهوم است و با متن اشعار اصلاً مطابقت ندارد. پیداست که کاتب معنی اشعار را در نمی‌یافته است. این ترجمه چنین است: *أنه يقول یا دنیا أئی قد انقطعت الیک فلم احصل منك الأ؟) و استعبدتنی بغير طائل و قد طرحتک و قد انقطعت الی (شاید غیرک. انصاری) الذی یعطیک (شاید تعطیه. انصاری) لم یطلبک و یحرمک من طلبک.*

اکنون بینیم صورت اصلی شعر چه بوده است. تردیدی نیست که مصراع اول بیت اول به صورت کنونی غیر موزون است. «آیا» با یک هجای کوتاه آغاز می‌شود، در حالی که پنج مصراع دیگر در آغاز دارای یک هجای بلنداند. به عبارت دیگر رکن اول این مصراع مفاعیلن است و رکن اول مصراع‌های دیگر مفعول. رکن دوم آن نیز بر وزن مفعول، رکن سوم بر وزن مفعولن و رکن چهارم بر وزن فاعلن است، در حالی که مصراع‌های دیگر بر وزن مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن یعنی بحر مضارع مثنی اُخرب مکفوف محذوف (رک. شمس قیس رازی ۱۳۳۸، ص ۱۵۰). بنابراین باید مصراع اول را به نوعی تصحیح کرد که به این وزن درآید. اگر آن را به شکل زیر درآوریم از نظر وزن بی‌اشکال می‌شود: *ایا گیتیا فسوس! فسوسی به راستی.* وجود هجای کوتاه «ا» (a) در آغاز مصراع مطابق قاعده عروضی کهن خَزَم است که در شعر رودکی چندین نمونه دارد. رکن اول این مصراع مفاعیل است، در مقابل مفعول در آغاز سایر مصراع‌ها.

کلمه «شایی» در مصراع دوم ظاهراً باید به شاهی تصحیح شود، زیرا شا به تنهایی به جای شاه نه در پهلوی دیده شده و نه در فارسی، برعکس پادشا که در فارسی فراوان به کار رفته و در پهلوی نیز به صورت پادِخشا(ی) متداول بوده است. اما در آغاز کلمات مرگب، چنانکه در شاپور و شاکار، «شاه» به «شا» ساده شده است.

در مصراع سوم «ترک» بی تردید تصحیف مرگ است.  
مصراع چهارم را باید به این صورت تصحیح کرد: خود برکنی همان را که خود نشاستی.  
مصراع پنجم ظاهراً در اصل چنین بوده است: هرکه تو را بخواست مرو را نخواستی  
در مصراع ششم استی املائی ناقص آستی، مخفف آستین است و آستین دادن ظاهراً  
به معنی ثروت و مکنت بخشیدن است، اما این تعبیر در شعر قدما دیده نشده است.  
در گذشته‌ها کیسه‌های سیم و زر و چیزهای دیگر را در آستین نگاه می‌داشته‌اند.  
بنابراین، شعر را باید به صورت زیر بازنویسی کرد:

ایا گیتیا فسوس! فسوسی به راستی	شاهیت بندگی است فزونیت کاستی
بر بچگان خویش همه مرگ خواستی	خود برکنی همان را که خود نشاستی
هرکه تو را بخواست مرو را نخواستی	هرکه (یا: وانکه) تو را نخواست بدو دادی آستی

□

